

سیمای جنایی قتل‌های عمدی در شهرستان ساوجبلاغ

تاریخ پذیرش: 1398/12/10

تاریخ دریافت: 1398/10/05

علی بدری¹، شادی عظیم زاده²، عباس شیرینی³، حسنعلی موذن زادگان⁴

از صفحه 49 تا 76

چکیده

زمینه و هدف: در قتل عمد علاوه بر صدمات جدی به قربانیان مستقیم، نزدیکان، دوستان، گسترش شایعه یا پخش آن از طریق وسایل ارتباط جمعی، امنیت و سلامت روانی جامعه را به خطر می‌اندازد و نظم اجتماعی را تضعیف و موجب هراس جامعه می‌شود. لذا هدف این پژوهش ترسیم سیمای جنایی قتل‌های عمد در شهرستان ساوجبلاغ می‌باشد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر با روش توصیفی از میان پرونده‌های قتل که در خلال سال‌های 1385 تا 1395 در شهرستان ساوجبلاغ رخ داده‌اند، 82 پرونده، به شیوه تمام شمار مورد مطالعه قرار گرفتند.

یافته‌ها: مسایل ناموسی، ارتکاب سرقت، عصبانیت دفاعی، مسائل مالی، اقدامات تحریک‌کننده، خصومت شخصی و درگیری‌های لفظی به ترتیب بیشترین نقش را در وقوع قتل‌های شهرستان ساوجبلاغ را دارند. همچنین شیوع ارتکاب قتل در بین مردان مجرد با سطح تحصیلات پایین و در محدوده سنی 20 تا 30 سال، استفاده از طناب به عنوان شایع‌ترین آلت قتاله و کاهش ارتکاب قتل با افزایش تعداد فرزندان در قاتلین و مقتولین؛ اشاره نمود و در نهایت شایع‌ترین قتل عمد قتل‌های بدون برنامه ریزی می‌باشند.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که هر یک متغیرهای مورد مطالعه بر ارتکاب قتل‌های عمدی شهرستان ساوجبلاغ تأثیر دارند اما میزان این تأثیر متفاوت بوده است.

واژه‌های کلیدی: سیمای جنایی، قتل، علل اجتماعی، ساوجبلاغ.

1 - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: alibadri257@yahoo.com

2 - استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: Azimzadehshadi@gmail.com

3 - استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: dr.a.shiri@gmail.com

4 - دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، رایانامه: moazenzadegan@gmail.com

قتل از نظر لغوی به معنی کشتن یا کشتار، لطمه به حیات دیگری واقع ساختن؛ خواه به واسطه عملی مادی و فیزیکی باشد خواه به واسطه ترک فعل (جعفری لنگرودی، 1386: 528). جرم قتل یکی از بزرگ‌ترین جنایت‌های بشری است که با وجود وضع قوانین مختلف برای پیشگیری از وقوع آن، همواره تمامی جوامع با آن دست به گریبان هستند. مسائل مالی، اختلاف سلیقه، جنون آنی، رفتارهای جنسی نامتعارف، خشونت، دشنام و ناسزاگویی، حتی دوست داشتن و احساس تعلق از عواملی است که به عنوان انگیزه‌های قتل بیان می‌شوند.

در بین انواع خشونت، قتل خطرناک‌ترین و مخوف‌ترین و در عین حال نادرترین نوع خشونت در جوامع است (صدیق سروسستانی، 1386: 124). به جرأت می‌توان ادعا کرد که در جوامع امروز جهان، قتل انسان‌ها بالاترین چهره و درجه خشونت را نشان می‌دهد. از این رو بالاترین عمل مجرمانه در یک جامعه قتل به شمار می‌رود (بیات، 1387: 82). قاتلان برای کشتن قربانیان خویش از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند. انگیزه‌هایی نیز که منجر به قتل افراد دیگر می‌شود با توجه به عوامل فردی و اجتماعی و اثرات محیطی متفاوت است. به همین دلیل از سالیان گذشته، تغییراتی در روند جنایت و روش‌های به کار رفته برای قتل در جوامع بشری مختلف ایجاد شده است. به همین منظور بررسی اپیدمیولوژیک (همه‌گیری شناخت) بر روی قاتلان و مقتولان در جوامع پیشرفته به صورت منظم انجام می‌گیرد تا تغییرات ایجاد شده در روند جنایت به موقع معلوم شده، اقدامات لازم برای پیشگیری و کاهش این جرم صورت گیرد (افتخاری و قربانی، 1384: 179). از نظر جرم‌شناسی، تمام قتل‌های عمد به عنوان قتل و رفتار جنایی طبقه‌بندی نمی‌شوند و ممکن است جزء «قتل‌های توجیه‌پذیر» باشند. برای مثال، وقتی یک افسر پلیس در حال انجام وظیفه، فردی را می‌کشد، عمل وی به عنوان رفتار جنایی و قتل شناخته نمی‌شود، زیرا قتل به عنوان یک رفتار جنایی به نوعی انگیزه آدم‌کشی ارادی و عمدی اشاره دارد که سبب می‌شود یک انسان منطقی شخص دیگری را به قتل برساند. اما از نقطه نظر جامعه‌شناسی انحرافات، قتل یک مسئله اجتماعی تلقی می‌شود؛ زیرا مسئله اجتماعی بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه به عنوان وضعیتی نامطلوب و مضر شناخته می‌شود که افراد جامعه را تهدید

می‌کند (احمدی، 1384: 192-193). به طور کلی، همه قتل‌ها شرایط و ویژگی‌های یکسانی ندارند. از این رو، یک سنخ‌بندی مشخص و واحدی از قتل موجود نیست و صاحب‌نظران مختلف با توجه به علایق و ملاک‌های خاص، دسته‌بندی‌های ویژه‌ای از این پدیده انجام داده‌اند.

بررسی اپیدمیولوژیک¹ قاتلین و مقتولین در کشور خصوصاً در مناطقی که شیوع قتل در آن‌ها رو به گسترش است باید به صورت منظم انجام گیرد تا تغییرات ایجاد شده در روند جنایت به موقع معلوم گشته و اقدامات لازم برای پیشگیری و کاهش این جرم وخیم صورت گیرد و چون پیشگیری از جرم و جنایت به ویژه قتل نفس از اهم وظایف ارکان نظام عدالت کیفری مانند قوه قضائیه، نیروی انتظامی و سایر نهادهای جامعه محور می‌باشد، بنابراین بدین منظور بایستی مسئولین قضائی و انتظامی از کم و کیف این جرم و عوامل دخیل در آن مطلع باشند. لذا در این پژوهش شهرستان ساوجبلاغ که یکی از شهرستان‌های استان البرز می‌باشد از جمله مناطقی است که قتل عمد در آن به عنوان یکی از مشکلات قضایی و انتظامی مطرح گردیده است. سطح و میزان قتل باید با بررسی اصولی برنامه‌ای جهت پیشگیری و گسترش آن تدوین گردد و این مساله زمینه‌ای گردید تا مطالعه علت وقوع و بروز این پدیده مورد توجه برای انجام این پژوهش قرار گیرد. بنابراین، باید توجه داشت که افزایش قتل عمد در این منطقه پیامدها و کارکردهای منفی زیادی در سطح فرد، گروه‌های اجتماعی و نظام اجتماعی دارد. با توجه به این که در شیوع قتل عمد در این شهرستان علاوه بر صدمات جدی به قربانیان مستقیم، نزدیکان، دوستان، گسترش شایعه یا پخش آن از طریق ارتباط جمعی امنیت و سلامت روانی جامعه را به خطر می‌اندازد و انتظام اجتماعی را تضعیف و موجب هراس جامعه می‌شود. مجموعه دلایل فوق قتل را به عنوان یک مسئله اجتماعی در این شهرستان درآورده است.

لذا در این پژوهش عوامل دخیل در وقوع قتل عمد در شهرستان ساوجبلاغ جهت دستیابی به یک سیاست جنایی مقبول به منظور پیشگیری از این جرم به عنوان موضوعی خاص در محدوده زمانی 10 ساله از سال 1385 تا 1395 مورد بررسی قرار

1 -Epidemiology

گرفته است. در این پژوهش با بررسی پرونده‌های قتل سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود: مهمترین زمینه‌های وقوع قتل عمدی در گستره جغرافیایی شهر ساوجبلاغ در سال 1385 الی 1395 کدامند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پژوهش‌گران برای توضیح علل قتل در کشور و راه‌های پیشگیری و مبارزه با آن، طیف وسیعی از پژوهش‌ها، تفاسیر و نظریات را در این زمینه ارائه نموده‌اند. لذا برای جستجوی نظریه مناسب از دیدگاه جرم‌شناسی با جرم قتل عمد در بین رویکردهای جرم‌شناسی در این حوزه می‌توان گفت؛ از آنجایی که مطالعه قتل با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود همراه است، برای فائق آمدن به دشواری‌های این مسیر و یافتن علل و انگیزه‌های اصلی قتل هیچکدام از تئوری‌های جرم‌شناسانه کاملاً منطبق بر تمامی جهات و تبعات این جرم نبوده‌اند. بنابراین در این جا در قالب 4 نظریه به تبیین مهمترین نظریه‌های جرم‌شناسی مرتبط با بررسی علل قتل عمد پرداخته شده است.

نظریه محدودیت بیرونی

یکی از نظریه‌ها مطرح در زمینه وقوع قتل عمد نظریه محدودیت بیرونی است. براساس این نظریه اگر افرادی که به شدت دچار ناکامی شده‌اند، محدودیت بیرونی ضعیفی را تجربه کرده باشند کنش پرخاشگرانه درونگرا؛ یعنی خودکشی و اگر محدودیت بیرونی قوی را تجربه کرده باشند، کنش پرخاشگرانه برونگرا؛ یعنی آدم‌کشی را انتخاب می‌کنند. کسانی که از چنین کنترل‌های شدیدی رنج کشیده باشند بیشتر به دیگرکشی تمایل پیدا می‌کنند تا به خودکشی؛ زیرا می‌توانند دیگران را به‌طور مشروع بابت ناکامی خود سرزنش کنند (ولد¹، 1954: 651). در مجموع خشونت یا حالت درونفکنی دارد یا جنبه برونفکنی، در شکل درونفکنی به صورت استرس، افسردگی، خودکشی و در حالت برونفکنی در قالب توهین، قتل، ضرب و جرح بروز می‌کند.

نظریه کنترل اجتماعی

صاحب نظر اصلی این نظریه، تراویس هیرشی¹ است. نخستین سنگ بنای نظریه‌ی کنترل این فرض است که وقوع جرم نتیجه‌ی عدم توازن میان محرک‌های فعالیت‌های تبهکارانه و کنترل اجتماعی یا فیزیکی بازدارنده‌ای آن است. این نظریه به انگیزه‌های افراد برای ارتکاب جرم چندان علاقه و توجهی ندارد؛ در عوض در این نظریه فرض بر این است که مردم به صورت عقلانی عمل می‌کنند و اگر فرصت مساعدی دست می‌داد، همه مرتکب اعمال کجروانه می‌شدند. نظریه کنترل اجتماعی هیرشی که نوعی الگوی کنترل اجتماعی را ارائه داده است، الگویی که گاه نیز با نام «نظریه پیوند» از آن یاد می‌شود، پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌داند که می‌تواند تبیین‌کننده تأثیر مدارای اجتماعی بر وقوع جرایم باشد. از نظر هیرشی، افراد از لحاظ درجه قبول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها به میزان پیوستگی افراد با نظام اجتماعی بستگی دارد. از نظر او بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه‌ای وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوند، از شدت اعتقادات کاسته می‌شود. اعتقاد فرد با پیوند فرد به والدین آغاز می‌شود و از طریق پیوند با مدرسه و جامعه افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، بین میزان پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت قوانین جامعه رابطه‌ای وجود دارد و این دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند (گیدنز²، 310:1389).

نظریه فرصت‌های افتراقی

نظریه فرصت‌های افتراقی بیان می‌کند که افراد به وسیلهٔ معاشرت و دوستی با افراد ناباب، به کجروی و جرم رو می‌آورند. در این نظریه ریچارد کلوارد³ و لوید اوهلین⁴ عقیده دارند که افراد متعلق به طبقه کارگر و خرده فرهنگ‌های اجتماعی و اقتصادی فرودست معمولاً طالب دستیابی به موفقیت به شیوه‌های قانونی‌اند اما جامعه فرصت‌های مشروع رسیدن به هدف را از آنان دریغ می‌کند. حاصل این محدودیت، ناامیدی جدی این افراد

1 - Hirschi

2 - Giddens

3- Richard Cloward

4- Loyd Ohlin

از نیل به برخورداری‌های مشروع است و این وضعیت احتمال پیدایش جرم را بیشتر می‌کند. در این نظریه فرض بر این است که اشخاص پرورش یافته در محلات پر ازدحام و فقرزده، اهداف مرسوم متعلق به طبقه متوسط را می‌پذیرند و تصدیق می‌کنند. ولی شکل‌گیری بزه در میان این افراد از این تمایز نشات می‌گیرد که در واقع کنشی است در برابر نوعی فشار ناشی از کشش بین آن چه می‌خواهند و آن چه که امکان دسترسی بدان را دارند. جرم‌ها و کژروی‌های آنان نیز با تکیه بر این مفهوم، نوعی دست یازیدن به شیوه‌ها و ابزارهای غیر مجاز برای دسترسی به غایت‌های مقبول و مرسوم قلمداد می‌شود (سلیمی و داوری، 238:1387).

نظریه فشار

نظریه فشار ابتداء توسط «رابرت مرتن»¹ به منظور تبیین جرایم طبقه فرودست جامعه مطرح شد. وی با عنایت به بافت اجتماعی جامعه آمریکا، دو مفهوم کلیدی را مطرح می‌کند: «ابزار» و «اهداف». وی بیان داشت جرم زمانی رخ می‌دهد که ابزارهای در دسترس، تکافوی نیل به اهداف ترویج شده نظیر برخورداری از موقعیت ممتاز از سوی جامعه را نداشته باشد. فشار ناشی از عدم دستیابی به اهداف، افراد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد (عارفی، 869:1396). بر مبنای این نظریه عواملی در جامعه وجود دارند که برخی مردم را تحت فشار قرار می‌دهند و آنان را مجبور به کج رفتاری می‌کنند. این نظریه با بهره‌گیری از نظریه کلاسیک فشار، راهی در جهت توصیف نظام‌مند جرایم افراد طبقه بالای جامعه به دست می‌دهد.

علل و عوامل وقوع قتل

اگرچه برای تعیین طبقه اجتماعی قاتلان و قربانیان آن‌ها با مشکلات خاصی روبرو هستیم اما با توجه به متغیرهایی چون موقعیت اقتصادی، شغلی و تحصیلی قاتل و افراد قربانی می‌توان تصویری از طبقه اجتماعی آن‌ها را نشان داد. تحقیقات مختلفی که در زمینه آسیب‌شناسی اجتماعی انجام گرفته، نشان می‌دهند که بسیاری از مجرمان و قربانیان آن‌ها از طبقات پایین بوده‌اند. اگر چه این موضوع واقعیت دارد که غالباً جرایم

1 - Robert Merton

یقه سفیدان نادیده انگاشته و یا کم شماری می‌شوند، اما وضعیت بد طبقاتی به عنوان یک ریسک فاکتور نقش مهمی را بازی می‌کند.

عوامل مختلفی در بروز جرم قتل می‌تواند تأثیرگذار باشد که تعداد یا میزان اهمیت هر یک از این عوامل در جوامع گوناگون به دلیل وجود تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی متفاوت است. این عوامل را در یک تقسیم کلی می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: الف) عوامل فردی یا زیستی از قبیل جنس، سن و اندام؛ ب) عوامل روانی از قبیل بدبینی، پرخاشگری، زودباوری و ترس؛ ج) عوامل اجتماعی از قبیل خانواده نابسامان، ناسازگاری والدین گروه مرجع، مهاجرت و مطبوعات. بین اندیشمندان در زمینه تعداد یا میزان نقش این عوامل، اجماع و اتفاق نظر وجود ندارد. هر یک از این‌ها با توجه به نوع گرایش و تخصص خود به این مسأله نظر افکنده و دسته خاصی از این عوامل را تنها مؤثر در ارتکاب اعمال مجرمانه دانسته یا بیشترین اهمیت را برای آن قایل شده‌اند. بنابراین در این پژوهش نیز عوامل مؤثر در ارتکاب قتل عمد مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مسائل ناموسی¹

قتل به خاطر شرف یا «قتل ناموسی» یکی از مسائل اجتماعی است که در سالیان اخیر توجه روزنامه‌نگاران، حقوق‌دانان، مدافعان حقوق بشر به ویژه مدافعان حقوق زنان و نیز صاحب‌نظران اجتماعی و سیاسی را به خود جلب کرده است و مباحث مختلفی را در سطح ملی و بین‌المللی در پی داشته است. قتل‌های ناموسی، قتل‌هایی هستند که رابطه علیت در بین آن‌ها وجود مسائل جنسی و شهوانی می‌باشد. لذا می‌توان گفت این نوع قتل در مواردی نظیر: روابط عاشقانه غیرمجاز، خیانت به همسر، زنا و از دست رفتن بکارت و نمونه‌های مشابه که اعمال و رفتارهای ضد ناموسی، بی‌عفتی، بدنامی و فضحیت تلقی می‌شوند رخ می‌دهد. قتل ناموسی، رسم و سنت قدیمی است که امروزه با وجود تحولات و دگرگونی‌های گسترده در جهان، هنوز در برخی از مناطق پا بر جا مانده است.

در میان انواع قتل‌ها، تقریباً بیشترین نسبت قتل در رابطه با مسایل جنسی و ناموسی است و این نسبت در کل کشور تا 30 درصد قتل‌ها را شامل می‌شود (زکی، 1383: 140). در جامعه امروزی به دلیل تهاجم فرهنگی و ترور افکار به وسیله ماهواره

و اینترنت هر روز شاهد بدتر شدن روابط خانوادگی و گسترش و ترویج بی‌بند و باری و روابط ناسالم بین افراد هستیم که این امر در تعارض با آموزه‌های دینی حاکم بر جامعه و خانواده‌های ایرانی می‌باشد که در نهایت منجر به وقوع قتل و سایر جرایم در بستر فضای خانه می‌گردد (رازلیقی و حسین پور، 1392: 76).

درگیری‌های لفظی

برخی از قتل‌های عمدی ممکن است نتیجه خشونت عمدی و بی‌دلیل فردی بیگانه باشد؛ در حالی که دیگر قتل‌های عمدی متضمن تعاملی اجتماعی بین دو یا چند نفر است که یکدیگر را می‌شناسند و تعامل اجتماعی مخربشان به مرگ یکی از طرفین منجر شده است (معظمی، 1386: 219-223). نزاع و درگیری از عواملی است که هیچ توجیه منطقی در آن وجود ندارد و معمولاً در موضوعاتی که فاقد ارزش محسوب می‌شوند رخ می‌دهد. عدم کنترل اعصاب به علت فشارهای اجتماعی و یا خارج شدن از حالت طبیعی به دلیل مصرف مسکرات و یا استعمال مواد روان گردان، همراه داشتن سلاح سرد و ناکارآمدی مجازات‌های بازدارنده حمل سلاح از جمله دلایل مهم آن به شمار می‌آید. در این نوع قتل غالباً قاتل قصد قتل را ندارد و صرفاً ترساندن مقتول و یا ایراد ضربه به وی هدف می‌باشد، اما منتج به قتل می‌گردد. قاتلان و مقتولان نزاع و درگیری معمولاً در سن فعالیت جنایی یعنی 18 تا 40 سال می‌باشند (رازلیقی و حسین پور، 1392: 82).

ارتکاب سرقت

اولین هدف سارق بردن مال مورد نظر بدون هر گونه برخورد و درگیری است و گاهی ارتکاب سرقت منجر به وقوع قتل می‌گردد. قتل‌هایی که توسط سارقان انجام می‌شوند به دو صورت اتفاق می‌افتند: دسته‌ای از قتل‌ها بصورت اتفاقی صورت می‌گیرند بدین معنا که سارق جهت پیشگیری از دستگیر شدن و یا شناسایی و به منظور ارباب فرد مقابل اقدام به استفاده از سلاح می‌نماید که این اقدام موجبات سلب حیات از مقتول می‌شود. دسته‌ای دیگر از سارقان برای اجرای مقاصد مجرمانه خود از قبل اقدام به برنامه‌ریزی کرده و ابزار و وسایل لازم را تهیه می‌نمایند یعنی بصورت آگاهانه اقدام به سلب حیات مقتول می‌نمایند (هاتفی اردکانی، 1384: 234).

خصومت شخصی

خصومت به معنای خشم پنهان و حل نشده‌ای است که ممکن است مدت طولانی در ذهن و دل انسان باقی بماند و بروز دادن دشمنی و مقابله با دیگران در عمل یا احساس یا نگرش است (دفتر سیزدهم فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان). خصومت یک اصطلاح مرتبط با خشم و پرخاشگری است اما با خشم متفاوت است. خشم، یک احساس پیچیده است که به صورت جسمانی و هیجانی ابراز می‌شود اما خصومت به مجموعه‌ای از نگرش‌ها و قضاوت‌های برانگیزاننده رفتارهای پرخاشگرانه گفته می‌شود، بنابراین خشم یک هیجان و پرخاشگری یک رفتار است، در حالی که خصومت نگرشی است که شامل دوست نداشتن دیگران و ارزیابی منفی آنان است. با توجه به اینکه هدف رفتار خصمانه، مرعوب ساختن طرف مقابل یا جریحه‌دار کردن احساسات اوست، می‌تواند به پرخاشگری جسمانی نیز منجر شود که طی آن فرد به دیگری حمله می‌کند یا به او صدمه می‌زند و یا اموال او را تخریب می‌کند که گاهی در اثر حمله و صدمه به دیگری، فرد به قتل می‌رسد.

عصبانیت دفاعی

عصبانیت یک حالت احساسی است که شدت آن از ناراحتی جزئی تا خشم بسیار شدید و جنون متغیر است. روش طبیعی و غریزی برای نشان دادن عصبانیت، واکنش پرخاشگرانه است. عصبانیت یک واکنش طبیعی و تطبیقی در برابر تهدیدهاست. احساسات، رفتارهای شدید و اغلب پرخاشگرانه را ایجاد می‌کند که باعث می‌شود وقتی فرد مورد حمله قرار می‌گیرد، بتواند بجنگد و از خود دفاع کند. به هنگام عصبانیت آنچه موجب می‌شود که قتل واقع گردد؛ کاهش آستانه تحمل به خصوص در جوانان و نوجوانان است؛ به طوری که در برابر هر حادثه‌ای، از خود واکنش تند نشان می‌دهند و اگر سلاح هم به همراه داشته باشند از آن استفاده می‌کنند.

اختلاف مالی

مال چه از نوع منقول و چه از نوع غیرمنقول آن همواره موضوع دعاوی حقوقی و کیفری بسیاری بوده است. بروز اختلاف و ناسازگاری میان افراد بر سر اموال با توجه به جایگزین ارزش‌های مادی به جای ارزش‌های دینی و اخلاقی به افزایش گذاشته است.

همگام با این روند، بروز خشونت با منشاء مالی نیز سیر صعودی داشته و گاه این خشونت منجر به قتل میان اعضاء خانواده، فامیل، همکاران و دوستان است (پرویزی، 1379: 99).

عوامل روحی و روانی

افراد مبتلا به اختلالات فکری و شعوری یا پریشانی‌های خلقی یا دیگر عوارض روانی بسیار شدید، قدرت سازگاری و تطبیق خود با محیط و اجتماع را نداشته و راحت‌تر از افراد معمولی، تحت تأثیر عوارض و شرایط واقع مرتکب اعمال منافی با نظم عمومی می‌شوند. در واقع، این‌گونه افراد به دلیل داشتن زمینه روانی قبلی دارای اراده ضعیف و متزلزل و شخصیتی تلقین‌پذیر بوده و در برخورد با شرایط جرم‌زا زودتر از دیگران تسلیم می‌شوند. اهمیت عوامل روانی در کشاندن یک فرد به سوی بزهکاری انکارناپذیر است و عاملی به شدت مستعدکننده برای ارتکاب قتل است (کمالی‌پور راوری، 1395: 125).

اقدامات تحریک‌کننده بزه‌دیده

به منظور ارزیابی سبک زندگی یک بزه‌دیده خاص، فاکتورهای سبک زندگی وی باید مورد بررسی قرار بگیرند تا مشخص شود چگونه این فاکتورها به طور خاص کمک می‌کنند تا فرد در معرض آسیب و بزه‌دیدگی قرار بگیرد.

سبک زندگی بزه‌دیدگان بسته به میزانی که در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند به سه دسته بزه‌دیدگان در معرض آسیب زیاد، بزه‌دیدگان در معرض آسیب کم و بزه‌دیدگان در معرض آسیب متوسط تقسیم‌بندی کرد. بررسی رابطه معنادار میان بزه‌دیدگی و ارتکاب جرم کلید پاسخ به بسیاری از پرسش‌های مهم در مرحله تحقیقات جنایی است. نقش مقتول در بزه‌دیده شدن خود یکی از مسائل مهم مورد بررسی است؛ در این راستا توجه به سطح و میزان در معرض بزه‌دیدگی قرار گرفتن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای مثال سبک زندگی بزه‌دیده می‌تواند از طریق اختلاف پیشین مجرم و بزه‌دیده، معاشرت و زندگی در میان مجرمان بالفعل و بالقوه، نشان دادن نقاط ضعف و آسیب‌پذیر خود به مجرمان بالفعل و بالقوه، نمایش وسوسه‌انگیز سیبل‌ها یا آماج محرک ارتکاب جرم ممکن است منجر به افزایش احتمال بزه‌دیدگی شود. از طرف دیگر فاکتورهای سبک زندگی بزه‌دیده می‌تواند آسیب رساندن به بزه‌دیده را از طریق ایجاد

یک درگیری با مجرم، افزایش حضور بزه‌دیده در اطراف مجرمان و اشخاص مستعد جرم و جنایت، افزایش درک مجرمان از آسیب‌پذیری بزه‌دیده یا تحریک و وسوسه آنان دستیابی به آماج جرم را تحت تأثیر قرار دهد (پیزارو¹، 2011: 367).

افراد بر اساس سبک زندگی‌شان ممکن است بیشتر در معرض تهدید قرار بگیرند. مثلاً روسپی‌گران و فروشندگان موادمخدر به علت پیوند مشاغل‌شان با جرم و فعالیت‌های مجرمانه بیشتر در معرض خشونت و بزه‌دیدگی قرار دارند.

در خصوص موضوع این پژوهش نوشتاری که به صورت مستقل در خصوص سیمیای جنایی قتل‌های عمدی در شهرستان ساوجبلاغ را توصیف و تحلیل نموده باشد، یافت نشد. لذا با توجه به نبود موضوع مشابه این پژوهش در حوزه پلیسی و پیشگیری از جرم، به برخی از پژوهش‌هایی که با اهداف و موضوع این پژوهش نزدیک هستند اشاره می‌شود.

کمالی پور راوری (1395) در پژوهشی با عنوان «علل و عوامل وقوع قتل در جنوب استان کرمان» پرداخته است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که تعداد آمار قتل‌ها از سال 1390 تا سال 1393 سه برابر شده است و این امر نشان دهنده این مطلب است که عوامل و انگیزه‌های متعددی در وقوع این حادثه دخیل هستند و مهم‌ترین آن‌ها مصرف مشروبات الکلی، دسترسی آسان به سلاح‌های گرم و تعصبات قومی، طایفه‌ای، فامیلی و مذهبی است. اما با این وجود، فرصت‌ها و پتانسیل‌های بسیار مناسبی برای حل چنین مسائلی در این منطقه وجود دارد که تنها با راهکارهایی همچون پلیس و مشارکت‌های مردمی قابل حل و فصل است. صادقی فسایی (1395) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی قتل: شناسایی ریسک فاکتورها» پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در فهم قتل باید به تعاقب رفتارهای ضداجتماعی و ریسک فاکتورهایی که در سطح فردی، خانوادگی، محلی و جامعه‌ای در طول زمان بر سبک زندگی اثر گذاشته‌اند، توجه کرد و این مسئله را در نظر گرفت که چگونه رفتار انحرافی از سنین پایین توسعه می‌یابد و در طول زندگی به چیزهای دیگر تبدیل می‌شود. به عبارتی باید رفتاری که سنگ بنای رفتار دیگر می‌شود و یا حتی

رفتارهای غیر جرمی که می‌تواند به رفتارهای جرمی کشیده شود و یا دلالت‌هایی برای کجروی در مراحل بعدی زندگی داشته باشد، شناسایی شود. حسینی و حسین پور (1396) در پژوهشی با عنوان «علت‌شناسی و بررسی پیمایشی قتل‌های شهرستان کرج در محدوده زمانی سال‌های 1391-1395» که با هدف شناخت تأثیر عوامل مؤثر بر وقوع قتل‌های عمدی و فراوانی علت ارتکاب آن در شهر کرج انجام شده است، اختلافات خانوادگی، در دسترس بودن سلاح سرد، فراوانی موادمخدر و ورود زنان به انگیزه‌های مختلف در عرصه جرم و همچنین موقعیت خاص جغرافیایی این شهرستان به لحاظ قرار گرفتن در شاهراه کشوری و سرسبز بودن آن را از عوامل مؤثر در وقوع قتل‌ها دانسته‌اند. جهان‌بین (1391) در پژوهشی با عنوان «درآمدی بر مسئله قتل در استان کهگیلویه و بویراحمد» از زندانیانی که در زندان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد به اتهام قتل تحمل حبس می‌نمودند هر قدر سطح تحصیلات افراد بالاتر رود احتمال ارتکاب قتل به مراتب کمتر خواهد بود، اکثر محکومین متولد شهر می‌باشند، 50 درصد محکومین با مقتول رابطه خویشاوندی نداشته‌اند. 96/4 درصد محکومین دارای درآمد ماهیانه کمتر از 400 هزار تومان داشته‌اند. اکثر قتل‌ها با سلاح سرد به وقوع پیوسته است. بیشتر قتل‌ها بر اثر نزاع به وقوع پیوسته و بیشتر محکومین از نظر عاطفی در سطح زیاد و متوسط دچار ناکامی شده‌اند. جاهد و دیندار و ستوده (1390) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل دخیل در وقوع قتل عمد (مطالعه موردی استان اردبیل بین سال‌های 1385-1389)» نزاع و درگیری، اختلافات، سرقت، انتقام‌گیری، انحرافات اخلاقی و جنون را از انگیزه‌های شایع در ارتکاب قتل عمد در استان اردبیل معرفی نموده‌اند. در این پژوهش فقط انگیزه قاتلین و به کمک ابزار پرسشنامه از سوی کارشناسان پلیس و قضات استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته و سایر متغیرهایی که در ارتکاب قتل عمد دخیل هستند نظیر سن، جنس، آلت قتاله و ... بررسی نشده‌اند.

دسموند¹ و کوبرین (2018) در مطالعه‌ای خود بیان کرده‌اند که، شایع‌ترین علت مرگ در قاره آمریکا قتل عمدی می‌باشد (27/1 نفر در جمعیت 100000 نفری) که سه برابر اروپا و چهار برابر کشورهای مدیترانه شرقی و حدود پنج برابر آسیای جنوب شرقی است. در این پژوهش مشخص شد که اغلب قتل‌ها و خودکشی‌ها واکنش‌های خشونت‌آمیزی

هستند که ناامیدی ناشی از فشارهای مالی موجب آن می‌شود. در این پژوهش ارتباطی بین قتل و وضعیت اجتماعی وجود نداشت، ولی با وضعیت ازدواج، وضعیت اقتصادی، مقیم شهر یا روستا بودن ارتباط داشت. دوویس¹ و همکاران (2112) مطالعه دیگری در خصوص میزان مرگ با سلاح‌های گرم در انگلستان نشان داد که از 912 مورد قتل، 487 مورد ناشی از سلاح گرم بوده است. 431 مقتولین مرد و 12 زن با میانگین سنی 31 سال بودند؛ بیشترین میزان استفاده از اسلحه در لندن گزارش شد؛ همچنین افزایش قتل از سال 2011 به همراه افزایش جمعیت جوان گزارش شد. موزوس² (2015) مطالعه دیگری در استرالیا در خصوص قتل‌های رخ داده در یک دهه (1989- 1999) انجام شد که در آن 3380 قربانی وجود داشت که 2/03 درصد آنان مرد و 30/8 درصد زن بودند. در این پژوهش 3481 متهم وجود داشت که 87/2 درصد مرد و 12/8 درصد زن بوده‌اند. از هر ده قتل رخ داده، هشت مورد بزه‌کار و بزه‌دیده از قبل با یکدیگر آشنا بودند. زن‌ها با احتمال بیشتری توسط شریک جنسی خود به قتل می‌رسیدند، در حالی که مردها بیشتر توسط یک دوست یا آشنا به قتل می‌رسیدند.

نتیجه پیشینه‌های بررسی شده نشان می‌دهد، اکثر پژوهش‌هایی که در خصوص سیمای جنایی جرایم انجام شده‌اند بیشتر بر رشد یا کاهش جرایم تأکید دارند و به ریشه یابی علل و عوامل وقوع قتل به صورت گسترده همانند روش انجام شده در این پژوهش تأکید ندارند. بنابراین انجام پژوهشی مستقل که به تبیین سیمای جنایی قتل عمد در یک منطقه مشخص بپردازد یک ضرورت غیر قابل انکار است.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر روش توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف در زمره پژوهش‌های زمینه‌ای و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها و اجرا، از نوع پیمایشی است. برای بررسی رابطه بین متغیرها و آزمون فرضیه‌ها از آمارهای توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در این پژوهش، از دو دسته اطلاعات و آمار برای دستیابی به هدف استفاده شده است؛ برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به پیشینه تحقیق و ادبیات موضوع از

1 - Davis

2 - Mouzos

کتاب‌ها، مقالات تخصصی و پایان نامه‌ها استفاده شده است (روش اسنادی) و به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز در مورد سیمای جنایی، 56 پرونده قتل عمد به وقوع پیوسته از سال 1385 تا سال 1395 در شهرستان ساوجبلاغ می‌باشد که به صورت تمام‌شمار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. پرسشنامه‌هایی با دارا بودن اطلاعات اسمی که دربرگیرنده جنسیت، وضعیت تأهل، سن، میزان تحصیلات و شغل به همراه سؤالات اصلی که برگرفته از پدیده‌های دخیل در وقوع قتل عمد بوده‌اند مانند وضعیت برنامه‌ریزی جهت ارتکاب قتل، علل اجتماعی و ... با در نظر گرفتن مشخصه‌های آن‌ها تهیه و از طریق پژوهشگر با مطالعه پرونده‌ها تکمیل گردیده‌اند. با تحلیل نتایج این پرسشنامه‌ها، عوامل بروز این پدیده مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است و داده‌های به دست آمده با استفاده از روش‌های آماری و نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های جنسی جامعه آماری

نوع جنسیت جامعه آماری این پژوهش در جدول 1 ارائه شده است.

جدول 1- ویژگی‌های جنسی جامعه نمونه پژوهش (مقتولین)

مقتولین زن	مقتولین مرد
30 نفر (31/2 درصد)	66 نفر (68/8 درصد)

از تعداد 96 نفر مقتول در پرونده‌های جامعه آماری، تعداد 30 نفر (31/2 درصد) آن‌ها زن و تعداد 66 نفر (68/8 درصد) آن‌ها را مردان تشکیل می‌دهند.

ویژگی‌های سنی جامعه آماری

ویژگی‌های سن مقتولین جامعه آماری در جداول 2 و 3 ارائه شده است:

جدول 2- ویژگی‌های سنی جامعه نمونه پژوهش (مقتولین)

مقتولین (96 نفر)				
تا 20 سال	21 تا 30 سال	31 تا 40 سال	41 تا 50 سال	51 سال و بیشتر
13 نفر (13/5 درصد)	39 نفر (40/6 درصد)	18 نفر (18/9 درصد)	13 نفر (13/5 درصد)	13 نفر (13/5 درصد)

سن قاتلین جامعه آماری به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول 3- ویژگی‌های سنی جامعه نمونه پژوهش (قاتلین)

قاتلین (55 نفر)				
تا 20 سال	21 تا 30 سال	31 تا 40 سال	41 تا 50 سال	51 سال و بیشتر
6 نفر (10/9 درصد)	32 نفر (58/1 درصد)	12 نفر (21/9 درصد)	3 نفر (5/5 درصد)	2 نفر (3/6 درصد)

بر اساس اطلاعات جداول 2 و 3 مشخص می‌گردد سن با جرم رابطه معکوس دارد به نحوی که بیشترین تعداد قاتلین در محدوده سنی 21 تا 30 سال قرار دارند و پس از این محدوده سنی، ارتکاب جرم به شدت کاهش یافته است.

ویژگی‌های تأهل و مجرد جامعه آماری

وضعیت تأهل و مجرد مقتولین جامعه آماری به شرح جداول ذیل می‌باشد:

جدول 4- ویژگی‌های تأهل و مجرد جامعه نمونه پژوهش (مقتولین)

مقتولین (96 نفر)	
متاهل	مجرد
61 نفر (63/5 درصد)	35 نفر (36/5 درصد)

بر اساس نتایج بدست آمده از مطالعه جامعه آماری بیشتر مقتولین جامعه آماری متأهل می‌باشند.

وضعیت تأهل و مجرد قاتلین جامعه آماری به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول 5- ویژگی‌های تأهل و مجرد جامعه نمونه پژوهش (قاتلین)

قاتلین (55 نفر)	
متاهل	مجرد
28 نفر (50/9 درصد)	27 نفر (49/1 درصد)

با توجه به اینکه بین وضعیت تأهل و ارتکاب قتل توسط قاتل از نظر آماری چندان تفاوتی وجود ندارد لذا به نظر می‌رسد وضعیت تأهل قاتل بر شیوع ارتکاب قتل در شهرستان ساوجبلاغ تأثیرگذار نمی‌باشد.

ویژگی های تحصیلی جامعه آماری

سطح تحصیلات مقتولین جامعه آماری به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول 6- ویژگی های تحصیلی جامعه نمونه پژوهش (مقتولین)

مقتولین (96 نفر)				
بی سواد	ابتدایی	تا دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر
56 نفر (58/5 درصد)	33 نفر (34/3 درصد)	4 نفر (4/1 درصد)	1 نفر (1/04 درصد)	2 نفر (2/08 درصد)

سطح تحصیلات قاتلین جامعه آماری به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول 7- ویژگی های تحصیلی جامعه نمونه پژوهش (قاتلین)

قاتلین (55 نفر)				
بی سواد	ابتدایی	تا دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر
15 نفر (27/2 درصد)	26 نفر (47/2 درصد)	13 نفر (23/7 درصد)	0	1 نفر (1/9 درصد)

با توجه به یافته‌ها، قتل در افراد بی‌سواد یا کم‌سواد شیوع بیشتری داشته است و این وضعیت هم در بین قاتلین و هم در بین مقتولین مشاهده می‌گردد.

ویژگی های تابعیتی جامعه آماری

تابعیت مقتولین جامعه آماری به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول 8- ویژگی های تابعیتی جامعه نمونه پژوهش (مقتولین)

مقتول (96 نفر)	
ایرانی	افغانی
50 نفر (53 درصد)	46 نفر (47 درصد)

- تابعیت قاتلین جامعه آماری به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول 9- ویژگی های تابعیتی جامعه نمونه پژوهش (قاتلین)

قاتل (55 نفر)	
ایرانی	افغانی
39 نفر (71 درصد)	16 نفر (29 درصد)

بر اساس جداول فوق، مقتولین ایرانی و افغانه از نسبت تقریباً برابری برخوردار هستند لذا از جنبه احتمال وقوع قتل احتمال برابری بین کشته شدن یک فرد ایرانی و یک فرد افغانی وجود دارد. تعداد قاتلین افغانه نیز حدود 30 درصد از قاتلین (یک سوم تعداد کل قاتلین پرونده ها) را تشکیل می دهند که درصد قابل تاملی می باشد.

ویژگی های شغلی جامعه آماری

شغل مقتولین جامعه آماری به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول 10- ویژگی های شغلی جامعه نمونه پژوهش (مقتولین)

مقتول (96 نفر)	
آزاد	کارمند
93 نفر (96/8 درصد)	3 نفر (3/2 درصد)

- شغل قاتلین جامعه آماری به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول 11- ویژگی های شغلی جامعه نمونه پژوهش (قاتلین)

قاتل (55 نفر)	
آزاد	کارمند
52 نفر (94/5 درصد)	3 نفر (5/5 درصد)

با توجه به یافته ها، قتل در بین افراد دارای شغل آزاد شیوع بیشتری داشته است و این وضعیت هم در بین قاتلین و هم در بین مقتولین مشاهده می گردد.

تعداد فرزندان جامعه آماری

- از نظر تعداد فرزندان وضعیت مقتولین جامعه آماری به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول 12- تعداد فرزندان جامعه نمونه پژوهش (مقتولین)

مقتول (96 نفر)			
بدون فرزند	تا 2 فرزند	3 تا 5 فرزند	بیش از 6 فرزند
52 نفر (54/1 درصد)	24 نفر (25 درصد)	19 نفر (19/7 درصد)	1 نفر (1/2 درصد)

- از نظر تعداد فرزندان وضعیت قاتلین جامعه آماری به شرح جدول ذیل می باشد :

جدول 13- تعداد فرزندان جامعه نمونه پژوهش (قاتلین)

قاتل (55 نفر)			
بدون فرزند	تا 2 فرزند	3 تا 5 فرزند	بیش از 6 فرزند
40 نفر (72/7 درصد)	9 نفر (16/3 درصد)	5 نفر (9/2 درصد)	1 نفر (1/8 درصد)

با توجه به یافته‌های دو جدول فوق در خصوص تعداد فرزندان در افراد قاتل و افراد مقتول، بیشتر افراد بدون فرزند مرتکب قتل شده همچنین تعداد مقتولینی که فاقد فرزند می‌باشند بیش از افرادی است که دارای فرزند می‌باشند. تعداد قاتلین و مقتولین نیز با افزایش تعداد فرزندان کمتر می‌شود.

وضعیت روانی قاتل

وضعیت روانی قاتلین دستگیر شده به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول 14- وضعیت روانی قاتلین

تعداد 55 نفر قاتل دستگیر شده

سالم	بیمار
54 نفر (98/1 درصد)	1 نفر (1/9 درصد)

با توجه به یافته‌های جدول فوق در خصوص وضعیت روانی قاتلین، 98/1 قاتلین از وضعیت روانی سالمی برخوردار بوده‌اند و تنها یک نفر یعنی 1/9 درصد از وضعیت روانی سالمی برخوردار نبوده‌اند.

وضعیت آلت قتاله

وسیله قتل در تعداد 96 فقره جسد کشف شده به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول 15- وضعیت آلت قتاله مورد استفاده قاتلین

تعداد اجساد - 96 مورد

طناب	سلاح گرم	جسم سخت	چاقو و تبر	موادمخدر	مشت و لگد
20 نفر (20/8 درصد)	12 نفر (12/5 درصد)	17 نفر (17/7 درصد)	44 نفر (45/8 درصد)	2 نفر (2/08 درصد)	1 نفر (1/04 درصد)

استفاده از سلاح سرد مثل چاقو، کارد، تبر و ... به عنوان یکی از رایج‌ترین آلات در ارتکاب قتل شناخته می‌شوند به نحوی که در جامعه آماری این تحقیق نیز حدود نیمی از قتل‌ها با چاقو صورت گرفته‌اند که از جمله مهم‌ترین دلایل استفاده از آن را در

دسترس بودن این وسیله می‌توان دانست. پس از چاقو، استفاده از طناب و اجسام سخت مثل سنگ و چوب نیز به دلیل در دسترس بودن به ترتیب بیشترین کاربرد در ارتکاب قتل توسط قاتل را داشته‌اند و در مجموع بیش از 80 درصد قتل‌ها با کمک این ابزار صورت گرفته‌اند.

وضعیت برنامه‌ریزی جهت ارتکاب قتل

وضعیت قتل‌های کشف شده از نظر وجود برنامه‌ریزی یا عدم وجود آن به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول 16- وضعیت برنامه‌ریزی قاتلین

54 فقره جسد	
عدم وجود برنامه قبلی (اتفاقی)	وجود برنامه قبلی
32 فقره (59/3 درصد)	22 فقره (40/7 درصد)

بر اساس اطلاعات بدست آمده از پرونده‌ها مشخص گردیده است در قتل‌هایی که قاتل با برنامه‌ریزی اقدام به ارتکاب قتل نموده، پس از ارتکاب قتل سعی نموده است به نوعی مانع از کشف جسد یا به عبارت دیگر شناسایی هویت جسد گردد لذا اقدام به سوزاندن جسد، مدفون نمودن، قطعه قطعه نمودن و یا رها کردن جسد در بیابان می‌نمایند. بر اساس آنچه در جدول فوق مشاهده می‌شود مشخص می‌گردد، بیش از 70 درصد مقتولین بدون هرگونه تغییر در محل قتل کشف شده‌اند که خود حاکی از عدم وجود برنامه‌ریزی در ارتکاب قتل توسط قاتلین یا به عبارت دیگر اتفاقی بودن قتل می‌باشد. از نظر قصد و نیت قبلی قاتل جهت ارتکاب قتل نیز می‌توان گفت حدود 60 درصد قتل‌ها بدون برنامه قبلی یا سبق تصمیم بوده و 40 درصد قتل‌ها با سبق تصمیم انجام شده است.

علل اجتماعی وقوع قتل در شهرستان ساوجبلاغ

یافته‌های حاصل از بررسی جامعه آماری در خصوص علل اجتماعی وقوع قتل در شهرستان ساوجبلاغ به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول 17- علل اجتماعی وقوع قتل در شهرستان ساوجبلاغ

47 فقره پرونده قتل کشف شده (دستگیری قاتل)					
مسائل ناموسی	درگیری لفظی	سرقت	خصومت شخصی	عصبانیت دفعی	مسائل مالی
16 فقره	10 فقره	8 فقره	6 فقره	4 فقره	3 فقره
(34/2 درصد)	(21/2 درصد)	(17/1 درصد)	(12/7 درصد)	(8/5 درصد)	(6/3 درصد)

در میان انواع قتل‌ها، تقریباً بیشترین نسبت قتل در رابطه با مسایل جنسی و ناموسی است و این نسبت در کل کشور تا 30 درصد قتل‌ها را شامل می‌شود که با نتایج بدست آمده از این پژوهش (34/2 درصد) نیز مطابقت و هم‌خوانی دارد. هم‌چنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که درگیری لفظی بین قاتل و مقتول علت بیش از 21 درصد قتل‌ها بوده است که دومین عامل (از لحاظ تعداد پرونده) را به خود اختصاص داده است. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش در بیش از 17 درصد قتل‌ها ارتکاب سرقت توسط قاتل موجبات وقوع قتل را فراهم آورده است و در بیش از 12 درصد قتل‌ها خصومت شخصی بین قاتل و مقتول موجبات وقوع قتل را فراهم آورده است و در بیش از 8 درصد قتل‌ها به علت عصبانیت لحظه‌ای و غیرقابل کنترل قاتل اتفاق افتاده است. در نهایت نتایج حاکی از آن است که مسائل مالی موجبات 6/3 درصد از قتل‌ها را فراهم آورده است. اهم موضوعات مورد اختلاف بین قاتل و مقتول هم مربوط به بدهکاری مالی مقتول به قاتل (پرداخت دستمزد و بهای کالا) بوده است.

وضعیت سبک زندگی بزه‌دیدگان

یافته‌های حاصل از بررسی جامعه آماری در خصوص سبک زندگی بزه‌دیدگان در وقوع قتل در شهرستان ساوجبلاغ به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول 18- علل سبک زندگی وقوع قتل در شهرستان ساوجبلاغ

قتل‌های کشف شده (47 فقره)		
اقدامات تحریک آمیز بزه دیده یا سبک زندگی	تعداد قتل	درصد
1- اختلاف پیشین مجرم و بزه دیده	20 فقره	42/5
2- معاشرت و زندگی در میان مجرمان بالقوه و بالفعل	8 فقره	17/2
3- نشان دادن نقاط ضعف و آسیب پذیری خود به مجرمان بالقوه و بالفعل	3 فقره	6/3
4- نمایش وسوسه انگیز سیبل‌ها و آماج محرک ارتکاب جرم	16 فقره	34

بر اساس اطلاعات بدست آمده از جامعه آماری مشخص گردیده است که «اختلاف بیشین مجرم و بزه‌دیده» با بیشترین درصد (بیش از 42 درصد قتل‌های کشف شده) مهم‌ترین اقدام تحریک‌آمیز بزه‌دیده علیه خود بوده است که شامل مصادیقی مثل: خصومت‌های شخصی بین قاتل و مقتول، درگیری لفظی بین قاتل و مقتول همچنین اقدام بزه‌دیده که باعث عصبانیت دفعی قاتل گردیده است، می‌باشد. «نمایش وسوسه انگیز سبیل‌ها و آماج محرک ارتکاب جرم» با 34 درصد فراوانی در رتبه دومین اقدامات تحریک‌آمیز بزه‌دیده علیه خود بوده است که شامل قتل‌های ناموسی می‌باشد. «معاشرت و زندگی در میان مجرمان بالقوه و بالفعل» با بیش از 17 درصد فراوانی سومین دسته از اقدامات تحریک‌آمیز بزه‌دیده علیه خود بوده است که شامل قتل‌های مرتبط با سرقت می‌باشد. «نشان دادن نقاط ضعف و آسیب‌پذیری خود به مجرمان بالقوه و بالفعل» با بیش از 6 درصد فراوانی چهارمین دسته از اقدامات تحریک‌آمیز بزه‌دیده علیه خود بوده است که شامل قتل‌های مرتبط با مسائل مالی می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

پدیده قتل نیازمند توجه دقیق و علمی محققان علم جرم‌شناسی، حقوق کیفری و سایر علوم مرتبط و نیز مجریان قانون به خصوص پلیس است، اما متأسفانه نگاه سطحی و عوام‌گرایانه و عدم بررسی علت‌شناسی، از آسیب‌های جدی موجود در مواجهه با پدیده قتل‌ها و مرتکبان آن در ایران است. بدون تردید با شناخت و آگاهی بیشتر از علل واقعی قتل‌ها و ویژگی‌های مرتکبان و حتی قربانیان آن‌ها می‌توان اقدامات واکنشی مناسب و کاراتری را در قبال آن‌ها اتخاذ کرد. در این راستا با توجه به هدف پژوهش که دستیابی به مهم‌ترین علل ارتکاب قتل‌های عمد در شهرستان ساوجبلاغ و ارزیابی و بهره‌برداری از این اطلاعات و آمار برای پیشگیری و مقابله با این جرم است. یافته‌های به دست آمده از این پژوهش بیانگر این است که مهم‌ترین زمینه‌های وقوع قتل عمدی در گستره جغرافیایی شهر ساوجبلاغ در سال 1385 الی 1395 پنج عامل مهم در محدوده زمانی تحقیق دخیل بوده‌اند که این پنج عامل عبارت‌اند از: 1- مسائل مالی 2- عصبانیت دفعی 3- خصومت شخصی 4- سرقت 5- درگیری لفظی 6- مسائل ناموسی.

بر اساس نتایج بدست آمده از اجرای این پژوهش مشخص گردید که سطح تحصیلات در بین قاتلین و مقتولین پایین بوده و اکثر آن‌ها بی‌سواد یا ابتدایی بوده‌اند. جرم قتل در افراد دارای مشاغل آزاد بیش از کارمندان شیوع دارد و تعداد مقتولین متأهل بدون فرزند بیش از مقتولین متأهل دارای فرزند است و با افزایش تعداد فرزندان، تعداد مقتولین نیز به شدت کاهش می‌یابد این وضعیت در جامعه قاتلین نیز دارای چنین شرایطی است یعنی قاتلین متأهل بدون فرزند بیش از قاتلین متأهل دارای فرزند است یعنی با افزایش تعداد فرزندان، تعداد قاتلین نیز به شدت کاهش می‌یابد. این نتیجه با نتایج پژوهش جهان‌بین (1391) که شرح آن در پیشینه بیان شد، مبنی بر این که هر قدر سطح تحصیلات افراد بالاتر رود احتمال ارتکاب قتل به مراتب کمتر خواهد بود و میزان تحصیلات بالا رابطه منفی با قتل داشته است، همسویی و مطابقت دارد. اما این نتایج از نظر نقش تأهل، داشتن فرزند، داشتن شغل آزاد یا کارمند بودن در کاهش قتل‌ها با نتایج پژوهش آن‌ها همسو نمی‌باشد.

هم چنین نتایج در خصوص فصول انجام قتل و آلت قتاله بیانگر آن است که قتل در فصول گرم سال بیش از فصول سرد و چاقو و تبر بیشترین ابزار مورد استفاده توسط قاتل در ارتکاب قتل می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش جهان‌بین (1391) از آن جهت که اکثر قتل‌ها با سلاح سرد به وقوع پیوسته است، همسویی و مطابقت دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش تعداد قتل‌های بدون برنامه‌ریزی بیش از قتل‌های برنامه‌ریزی شده می‌باشد و درصد زیادی از قتل‌ها اتفاقی و در اثر یک درگیری به وقوع پیوسته است. این نتیجه با نتایج پژوهش صادقی فسایی (1395) و تحقیق جاهد و دیندار و ستوده (1390) از آن جهت که درصد زیادی از قتل‌ها به صورت اتفاقی به وقوع پیوسته است، مطابقت دارد. لکن در پژوهش آنان سایر متغیرهایی که در ارتکاب قتل عمد دخیل هستند نظیر سن، جنس، آلت قتاله مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش تعداد مردان مقتول و مردان قاتل بیش از زنان می‌باشد و تعداد مقتولین و قاتلین در محدوده سنی 21-30 سال بیش از سایر مقاطع سنی است. این نتیجه با نتایج پژوهش انجام شده توسط دویس (2112) از این

جهت که، مردان بیشتر از زنان مرتکب قتل شده‌اند و زمینه‌های ارتکاب قتل زیر 30 سال بسیار بالا بوده است، هم سویی و مطابقت دارد.

هم‌چنین بر اساس یافته‌های پژوهش یکی از عوامل عمده نزع و درگیری منجر به قتل دعوای ناموسی بوده است که با 34 درصد فراوانی در رتبه دوم قتل‌ها بوده است. لذا نقش مردانگی و دعوای ناموسی در فرایند قتل با نتایج تحقیق فسایی (1395) همسویی و مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری کلی از یافته‌های تحقیق گویای این است که 1- عامل عمده نزع و درگیری منجر به قتل، دعوای ناموسی می‌باشند؛ 2- تعداد مردان مقتول و مردان قاتل بیش از زنان می‌باشند؛ 3- تعداد مقتولین و قاتلین در محدوده سنی 21-30 سال بیش از سایر مقاطع سنی است؛ 4- تعداد قتل‌های بدون برنامه‌ریزی بیش از قتل‌های برنامه‌ریزی شده می‌باشد و درصد زیادی از قتل‌ها اتفاقی و در اثر یک درگیری به وقوع پیوسته است؛ 5- قتل در فصول گرم سال بیش از فصول سرد به وقوع پیوسته است؛ 6- چاقو و تبر بیشترین ابزار مورد استفاده توسط قاتل در ارتکاب قتل می‌باشد؛ 7- سطح تحصیلات در بین قاتلین و مقتولین پایین بوده و اکثر آن‌ها بی سواد یا ابتدایی بوده‌اند؛ 8- جرم قتل در افراد دارای مشاغل آزاد بیش از کارمندان شیوع دارد؛ 9- تعداد مقتولین متأهل بدون فرزند بیش از مقتولین متأهل دارای فرزند است؛ 10- بیشتر قاتلین، کارگر بوده‌اند که معمولاً دارای پایین‌ترین دستمزد و کمترین ثبات شغلی بوده و بیش از همه به بیکاران نزدیک می‌باشند؛ 11- اکثر قاتلین و مقتولین شهرنشین، دارای مشاغل آزاد و ساکنین محله‌های پایین و عمدتاً بدون سابقه بیمار روانی و اختلالی بود است.

نکته متمایزکننده این پژوهش با تحقیقات دیگران در این است که نقش بزه‌دیده در وقوع قتل نیز مشخص گردیده است. بر اساس یافته‌ها در خصوص نقش بزه‌دیده در وقوع قتل‌های عمدی مشخص گردید که: «اختلاف پیشین مجرم و بزه‌دیده» با بیشترین درصد (بیش از 42 درصد قتل‌های کشف شده) مهم‌ترین اقدام تحریک‌آمیز بزه‌دیده علیه خود بوده است که شامل مصادیقی همانند خصومت‌های شخصی بین قاتل و مقتول، درگیری لفظی بین قاتل و مقتول همچنین اقدام بزه‌دیده که باعث عصبانیت دفعی قاتل گردیده است، می‌باشد. در مرتبه بعد «نمایش وسوسه‌انگیز سیبل‌ها و آماج محرک ارتکاب جرم» با 34 درصد فراوانی در رتبه دوم اقدامات تحریک‌آمیز بزه‌دیده علیه

خود بوده است که شامل قتل‌های ناموسی می‌باشد. هم چنین «معاشرت و زندگی در میان مجرمان بالقوه و بالفعل» با بیش از 17 درصد فراوانی سومین دسته از اقدامات تحریک‌آمیز بزه‌دیده علیه خود بوده است که شامل قتل‌های مرتبط با سرقت می‌باشد. «نشان دادن نقاط ضعف و آسیب‌پذیری خود به مجرمان بالقوه و بالفعل» با بیش از 6 درصد فراوانی چهارمین دسته از اقدامات تحریک‌آمیز بزه‌دیده علیه خود بوده است که شامل قتل‌های مرتبط با مسائل مالی می‌باشد. نکته مهم این است که قاتل و مقتول را باید توأمان در یک سطح ساختاری و تقابل دوتایی تحلیل کرد. بدین معنا که همواره قاتلین در قتل نقش مطلق نداشته‌اند چه بسا مقتولین و بزه‌دیدگان نیز در فرایند قتل نقش داشته‌اند. در این پژوهش مشخص گردید که قتل یک کنش متقابل بین قاتل و مقتول بوده است. آن‌ها نیز همانند قاتلین فاقد مهارت‌های اساسی زندگی بوده‌اند. اغلب قاتلین آن‌ها را نیز انسان‌های شرور، اهل نزاع و درگیری، خیانت در امانت، عامل جدایی از زندگی (طلاق) و معتاد بازنمایی کرده‌اند.

پیشنهادها

- ایجاد صلح و آشتی از سوی افراد مطلع از وجود مشکلات در بین افراد یا درون خانواده‌ها و پیشگیری از بروز حوادث ناگوار؛
- بازنگری و اصلاح قوانین تولید، فروش و نگهداری چاقو؛
- توجه جدی مسئولین و بازنگری نسبت به مساله پذیرش و سکونت مهاجران و انجام کنترل‌ها و نظارت‌های قانونی شدیدتر بر آن‌ها؛
- ایجاد شرایط مناسب و الزام‌آور آموزش برای اقشار مختلف ساکن در شهرستان (مهاجران و افراد بومی)؛
- تشویق جوانان به ازدواج، تشکیل خانواده و فراهم آوردن تسهیلات لازم زندگی آنان برای پیشگیری از وقوع قتل؛
- متمرکز کردن آموزش‌ها و اقدامات تربیتی و رفاهی دولت برای جوانان و اقداماتی نظیر شغل و مسکن مناسب؛

- ارایه آموزش‌های لازم از طریق رسانه‌ها به شهروندان برای پیشگیری از ورود افراد نامطمئن به حریم خانواده‌ها؛
- فرهنگ‌سازی در بین مردم که قانون تنهاترین مرجع و ماوا برای مردم بوده و پناه بردن به قانون بجای درگیری و منازعه می‌تواند بهترین شیوه برای احقاق حق باشد؛
- کاهش فرصت بزه‌دیدگی، به ویژه در مورد زنانی که با رفتارهای تحریک‌آمیز، بی‌محابا و عاری از هرگونه تعقل و دوراندیشی زمینه قرار گرفتن خود در معرض کشته شدن را فراهم می‌سازند.

تقدیر و تشکر

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از کارکنان دادگستری استان البرز، رئیس دادگستری شهرستان ساوجبلاغ، دادستان شهرستان ساوجبلاغ و کارشناسان پلیس آگاهی ناجا تقدیر و تشکر نماییم.



- احمدی، حبیب (1384). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت
- افتخاری، علی و قربانی، حسن (1384). بررسی روش‌ها و انگیزه‌های مختلف قتل در تهران بزرگ و عوامل مرتبط با آن از اول مهر 1382 تا شهریور 1383. مجله پزشکی قانونی، دوره 11، شماره چهارم، 179-184.
- <http://sjfm.ir/article-1-140-fa.html>
- بیات، بهرام (1387). تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی. مجله مطالعات جامعه‌شناختی، شماره 35، صص 113-115.
- <https://jsr.ut.ac.ir/>
- پرویزی، رضا (1379). پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل. چاپ اول، تهران: انتشارات بهار.
- جاهد، محمدعلی و همکاران (1390). بررسی عوامل دخیل در وقوع قتل عمد در استان اردبیل. فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، سال چهارم، شماره 1، صص 109-128.
- <http://det.jrl.police.ir/>
- جهانبین، عباداله (1391). درآمدی بر مسئله قتل در استان کهگیلویه و بویراحمد. تهران: نشر زیتون سبز.
- جعفری لنگرودی، سیدجعفر (1376). مسیوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- رازلیقی، سید محمد حسین و حسین پور، میثم (1392). علت‌شناسی و بررسی پیمایشی قتل‌های کرج. فصلنامه کارآگاه، شماره 25، دور دوم، صص 65-82.
- <http://det.jrl.police.ir/>
- زکی، محمد علی (1383). عوامل اجتماعی مؤثر بر قتل در استان اصفهان. مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، جلد سوم، تهران: انتشارات آگه.
- ستوده، هدایت‌الله (1376). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: آوای نور.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (1387). جامعه‌شناسی کجروی. ویراست دوم، چاپ چهارم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صادقی فسایی، سهیلا (1394). مطالعه جامعه‌شناختی قتل: شناسایی ریسک فاکتورها. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره 5، شماره 2، پاییز و زمستان 31، صص 191-218.
- https://ijsp.ut.ac.ir/article_55546.html
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله (1386). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات سمت.

- عارفی، مرتضی (1396). نظریه عمومی فشار. دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش امیر حسن نیازپور، تهران: نشر میزان.
 - کمالی پور راوری، الهه (1395). بررسی علل و عوامل وقوع قتل در جنوب استان کرمان. فصلنامه دانش انتظامی کرمان 15(1)، صص 118-134.
- <http://kerman.jrl.police.ir/>

- گیدنز، آنتونی (1389). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان، چاپ هفتم، تهران: نشر نی
- ولد و همکاران (1394). جرم شناسی نظری. ترجمه علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت.
- Desmond SA, Kubrin CE. (2018). the power of place: Immigrant Communities and Adolescent Violence. *Sociol Q*; 5(4):51-607.
- Holstein, James A ., Gale Miller . “ Rethinking victimization : An inter actional approach to victimology , . symbolic interaction 13.1 (1993):103-122.
- Pizarro , J ., K.Zgoba , W.G.Jennings . “Assessing the interaction of offender and victim lifestyle characteristics for differentiating homicide incidents.”*journal of criminal justice* 39 (2011) : 367-377 .
- Wolfgang and Franco Ferracuti (1967) , *The subculture of violence* , London : Taristock .
- Wolfgang , Marvin (1998) , *Homicid D . L . sills (ed) . International ency clopdia of the social scinces vol 4* , new York : Macmillan and Free press .



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی